

مفهوم واژه آزادی در اشعار فریدون مشیری

وحید رونق

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. رایانامه: Vahidronagh@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله (۰۰۰-۰۰۰)

آزادی از جمله مفاهیمی است که در طول قرن‌ها و همچنین در گذار از ادوار گوناگون و اعصار بی‌شمار، همواره یکی از دغدغه‌های بزرگی بوده که ذهن و اندیشه بشر را به خود مشغول کرده است. هر ورق از دفتر تاریخ آزادی، پر از جنگ‌ها، خون‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، رنج‌ها، حبس‌ها و شکنجه‌های فراوان بوده و خواهد بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نظام‌مند مطالعات پیرامون مفهوم واژه آزادی در شعر فریدون مشیری پرداخته است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای مستندسازی متون به منظور تحلیل نظریه‌ها استدلال منطقی ارائه شده و سعی بر آن است تا مباحث استراتژی کیفی و مفهومی در این تحقیق منتشر شود. نتایج نشان می‌دهد مشیری از شاعران معاصر است که شعر او وسیله‌ای برای بیدارسازی جامعه خفته است. این شاعر به خوبی توانسته مسائل و مشکلات جامعه را به طور مستقیم و با استفاده از نمادها به تصویر بکشد و بسان یک مصلح اجتماعی عمل کند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۲۷

واژه‌های کلیدی:

آزادی

فریدون مشیری

شعر

شاعر معاصر

انسانیت

۱. مقدمه

آزادی از جمله مفاهیمی است که در طول قرن‌ها در گذار از ادوار گوناگون و اعصار بی‌شمار، همواره یکی از دغدغه‌های بزرگی بوده که ذهن و اندیشه‌ی بشر را به خود مشغول کرده است. هر ورق از دفتر تاریخ آزادی، پُر از جنگ‌ها، خون‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، رنج‌ها، حبس‌ها و شکنجه‌های فراوان بوده است و خواهد بود.

میل به آزادی و حریت با سرشت بشر آمیخته شده، به همین جهت کلمهٔ دل‌پذیر آزادی و در عین حال بحث برانگیز و گاهی ناخوشایند، باعث شده که سخنان فراوانی پیرامون آن صورت گیرد تا جایی که نویسندگان تاریخ عقاید، بیش از دویست تعریف گوناگون برای این کلمه ضبط کرده‌اند. این پژوهش در نظر دارد به بررسی مفهوم واژهٔ آزادی در شعر فریدون مشیری بپردازد. به همین منظور تلاش شده تا پاسخ داده شود که زبان شعری این شاعر در بیان مفهوم آزادی چگونه است و کدام جنبه از جنبه‌های مختلف آزادی بیشتر مورد تأکید این شاعر بوده است.

۱-۱. بیان مساله و سؤالات پژوهش

آزادی در ایران و نیز تبلور آن در ادبیاتش، مانند بسیاری از تمدن‌های دیگر، فراز و فرودهای فراوانی داشته تا بدین درجه از بلوغ رسیده است؛ البته سهم شاعران و نویسندگان به ویژه از عصر مشروطه به بعد در روند رشد و تغییر و تکامل آن بسیار قابل توجه بوده است حتی این روند با ظهور شاعران و نویسندگان معاصر چهرهٔ کامل‌تری نیز در صحن بین‌المللی به نمایش گذاشته است. اگر چه ظاهراً این مفهوم در ایران در مقایسه با جریان رشد آن در زندگی و ادبیات کشورهای غربی و ظهور آن قالب چارچوب‌های مدون‌تر و الگوریتم‌های مدرن‌تر و از گذر مفاهیمی چون دموکراسی و مکاتبی متعددی چون لیبرالیسم و سوسیالیسم و کمونیسم و ... متفاوت به نظر می‌رسد.

فریدون مشیری به عنوان نویسنده و شاعر معاصر و شاید در جایگاه نمایندهٔ قشر زیادی از روشن‌فکران جامعه، بخشی از اشعار خود را به بازتاب آزادی و مسائل پیرامونی آن اختصاص داده است. آنچه در این جستار مورد بررسی قرار گرفته، مفاهیم آزادی در اشعار فریدون مشیری است.

معنای آزادی و ابعاد و جنبه‌های مختلف و مورد تأکید آن در شعر فریدون مشیری موضوع مهم این پژوهش است.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

بدیهی است که آزادی از ضروریات اولیه زندگی و رشد و تعالی بشر است. از نگاه دینی و فرهنگی نیز انسان آزاد خلق شده است. اساساً بلوغ و کمال انسان در سایه برخورداری از نعمت آزادی میسر خواهد بود چرا که ضروری‌ترین نعمت الهی به بشر برای تضمین رشد او محسوب می‌شود. برای همین است که انسان معاصر اگر چه با مسائل متعددی چون فقر و نابرابری و امثال آن روبه‌روست اما هرگز فقدان آزادی را برنمی‌تابد.

در همین راستا بخش مهمی از ادبیات به ویژه ادبیات نوین ایران و جهان به آزادی اختصاص یافته است. شاعران، ادیبان، متفکران و نویسندگان ایرانی در کنار مسائل مهم دینی و عقیدتی توجه زیادی به مقوله آزادی داشته‌اند. هر چند مفهوم آزادی و نحوه برداشت آن در قرون گذشته با مفهوم و معنای کنونی متفاوت بوده است.

هدف پژوهش حاضر این است که با بیان مفهوم آزادی و موضوعات مرتبط با آن نقش شاعر متعهد و آزادی خواه را در بیداری و آگاهی جامعه خویش روشن نماید چرا که قرائت آزادی در آثار شاعر مذکور پیشینه‌ای ندارد و با وجود مقالات و نوشته‌های پراکنده، پژوهش مستقلی در این باب به انجام نرسیده است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

واژه آزادی از کلیدواژه‌های پرتکرار ادبیات است و طبیعتاً مطالعات و پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام گرفته است. در خصوص فریدون مشیری نیز به عنوان یکی از شاعران معاصر ایران، مطالعاتی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

چمبتانی و سهرابی (۱۴۰۳) در «بررسی جلوه‌های مکتب رمانتیسم در آثار فریدون مشیری» رمانتیسم را به عنوان یکی از مکاتب ادبی برجسته در ایران معرفی کرده و فریدون مشیری را تحت تاثیر این مکتب دانسته و به بررسی بازتاب طبیعت‌گرایی، عشق، یاس، ناامیدی و مرگ‌طلبی در شعر مشیری پرداخته و نشان می‌دهند که چگونه شعر او بازتاب جلوه‌های اجتماعی و غالب رمانتیسم است.

کریمیان و همکاران (۱۴۰۲) در «بررسی عرفان در اشعار فریدون مشیری» به هدف آشنایی با فریدون مشیری و عرفان در اشعارش، ابتدا به زندگی‌نامه مشیری و سپس اقدامات علمی و ادبی او و ساختار شعر او پرداخته‌اند.

فاطمه بهار و همکاران (۱۴۰۲) در «بازتاب نیازهای بنیادین انسان در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و فریدون مشیری با تکیه بر نظریه انتخاب ویلیام گلسر» با مطالعه اشعار

حمیدی شیرازی و مشیری نشان می‌دهند نیاز عشق بیش از سایر نیازها در اشعار ایشان نمود یافته است. همچنین شواهدی مبنی بر نیاز بقاء، قدرت، آزادی و تفریح در اشعار دو شاعر قابل مشاهده است که بیانگر توجه آنها به ارضای این نیازها در انسان بوده است.

کریمی راد و همکاران (۱۴۰۲) در «التزام به ارزش‌های اخلاقی در مکتب رمانتیسیم با نگاهی به اشعار فریدون مشیری و ویلیام بلیک» با تحلیل اشعار فریدون مشیری و ویلیام بلیک نگرش این دو شاعر در التزام به ارزش‌های اخلاقی در بستر مفاهیم مکتب رمانتیسیم بررسی و مشخص شد اخلاق رمانتیسستی مشیری و بلیک از اخلاق صرفاً فردی به نوعی اخلاق دیگری خواهانه برای پدید آمدن اجتماعی اخلاقی حرکت می‌کند.

لامعی گیو و زمانی بابگهری (۱۴۰۲) در «بررسی تطبیقی کهن‌الگوی آنیما در اشعار محمود درویش و فریدون مشیری» با رویکرد تطبیقی مکتب آمریکایی که شباهت آثار ادبی را ناشی از مشترکات روان همه انسان‌ها می‌داند، به بررسی موشکافانه این کهن‌الگو در اشعار عاشقانه دو شاعر عشق‌پرداز معاصر، یعنی محمود درویش و فریدون مشیری پرداخته و نشان می‌دهد که می‌توان از آنیما به‌عنوان مبنای مشترک در تطبیق اشعار دو شاعر استفاده کرد.

همچنین پارسای احمدی و همکاران (۱۴۰۲)، «ساخت شکنی ادبی، روان‌شناختی، کهن‌الگویی، سمبولیستی صور خیال در شعر کوچه فریدون مشیری»؛ باقی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، «گفتمان مدارا و رویکرد تعلیمی در شعر فریدون مشیری»؛ کریمی نسب (۱۴۰۱)، «نگاهی به مکتب رمانتیسیم و مولفه‌های آن با تکیه بر اشعار فریدون مشیری»؛ کریمی راد و همکاران (۱۴۰۱)، «بررسی مقایسه‌ای اشعار فروغ فرخزاد و فریدون مشیری در رمانتیسیم فردگرا و جامعه‌گرا»؛ رجبی قاضی کندی (۱۴۰۱)، «بازخوانی و تبیین گفتمان اشعار غنایی-اجتماعی فریدون مشیری و فروغ فرخزاد با تاکید بر مکتب رمانتیسیم»؛ گودرزی لمراسکی (۱۴۰۰)، «نقش قوت پی‌رنگ در اوج‌گیری شعری درقصیده «مصرع بلبل» ابراهیم طوقان و «گل و بلبل» فریدون مشیری»؛ چنانی (۱۴۰۰)، «بازتاب تطبیقی عنصر عاطفه در شعر فریدون مشیری و اخوان ثالث»؛ ملکی (۱۳۹۹)، «واکاوی مولفه‌های تمثیلی و نمادین رضایت‌مندی در اشعار فریدون مشیری از دیدگاه نظریه شخصیت اریکسون»؛ سیدیزدی و همکاران (۱۳۹۹)، «طبیعت و کارکردهای آن در دستگاه فکری فریدون مشیری و پل الوار» و... از دیگر مطالعات در خصوص فریدون مشیری و اشعار اوست. همانطور که از نظر گذشت پژوهش حاضر از منظر پرداخت به مفهوم آزادی در شعر مشیری نوآورانه و با پژوهش‌های پیشین متفاوت است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مبانی نظری

آزادی

برخی صاحب‌نظران واژه «آزادی» را از واژه اوستایی «آزانه» و یا واژه پهلوی «آزاتیه» گرفته و نوشته‌اند که واژه «آزات» به معنی «آزاد» در برخی از اسناد آرامی سده پنجم پیش از میلاد مصر در پیوند با آزادی یک زن برده، به کار رفته است و اگر این سخن درست باشد واژه پارسی «آزاد» در زبان سامی به روزگاران کهن باز می‌گردد. (رونق، ۱۴۰۴: ۴)

تعریف آزادی با تعریف انسان نیز ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا متعلق آزادی خود انسان است، از این رو هر تعریفی از انسان در درک و برداشت از آزادی نقش دارد و باید گفت بدون ارائه تعریفی از انسان، تعریف آزادی نیز ممکن نیست. (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۲۲)

فریدون مشیری

فریدون مشیری در سی‌ام شهریور ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد. جد پدری‌اش به واسطهٔ ماموریت اداری به همدان منتقل شده و از سرداران نادر شاه بود. پدرش ابراهیم مشیری افشار فرزند محمود در سال ۱۲۷۵ در همدان متولد شد و در ایام جوانی به تهران آمد و از سال ۱۲۹۸ در وزارت پست مشغول خدمت گردید. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۳۱۹)

او نیز از علاقه‌مندان به شعر بود. مشیری سال‌های اول و دوم تحصیلات ابتدایی را در تهران بود و سپس به علت ماموریت اداری پدرش به مشهد رفت و بعد از چند سال دوباره به تهران بازگشت و سه سال اول دبیرستان را در دارالفنون گذراند و آنگاه به دبیرستان ادیب رفت. به گفتهٔ خودش: در سال ۱۳۲۰ که ایران دچار آشفتگی‌هایی بود و نیروهای متفقین از شمال و جنوب به کشور حمله کرده و در ایران بودند، ما دوباره به تهران آمدیم و من به ادامهٔ تحصیل مشغول شدم. دبیرستان و بعد به دانشگاه رفتم. با اینکه در همه دوران کودکی‌ام به دلیل اینکه شاهد وضع پدرم بودم و از استخدام در ادارات و زندگی کارمندی پرهیز داشتم ولی مشکلات خانوادگی و بیماری مادرم و مسائل دیگر سبب شد که من در سن ۱۸ سالگی در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شوم و این کار ۳۳ سال ادامه یافت. (روزبه، ۱۳۸۳: ۳۷۷)

سپس در آموزشگاه فنی وزارت پست مشغول تحصیل گردید. روزها به کار می‌پرداخت و شب‌ها مطالعه می‌کرد. از همان زمان به مطبوعات روی آورد و در روزنامه‌ها و مجلات کارهایی از قبیل خبرنگاری و نویسندگی را به عهده گرفت.

بعدها در رشتهٔ ادبیات فارسی دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد، اما کار اداری از یک

سو و کارهای مطبوعاتی از سوی دیگر در ادامه تحصیلش مشکلاتی ایجاد کرد. مشیری کار در مطبوعات را رها نکرد. از سال ۱۳۳۲ ه.ش تا ۱۳۵۱ ه.ش مسؤول صفحه شعر و ادب مجله روشن فکر بود. (مشیری، ۱۳۸۳: ۳۴۸)

وی در عرصه ترانه سرایی نیز فعالیت داشت. سرانجام پس از نیم قرن فعالیت مؤثر در حوزه ادبیات معاصر و شعر پارسی، در بامداد سه شنبه ۱۳۷۹/۸/۳ به دلیل بیماری سرطان بدرود حیات گفت. (ر.ک: صاحب اختیاری و باقر زاده، ۱۳۸۴: ۱۱-۹)

زبان شعری مشیری

زبان شعری آثار مشیری ساده و روان است. او از هر آنچه که شعر را دچار پیچیدگی و ابهام نابه‌جا می‌کند چشم می‌پوشد و با زبان ساده و عاطفه پررنگ به اشعارش تشخص می‌بخشد. سطح اندیشگی شعر «مشیری» از ابتدای شاعری او تا پایان عمرش در یک خط، سیر می‌کند و آنچنان دچار تحول نیست که بشود روی آن بحث کرد. در خصوص صنایع بدیعی هم مسئله قابل ذکری نیست و آنچه جای نسبتاً خالی آنها را پر می‌کند عاطفه شعری است که آن هم بیشتر بر مدار انسان دوستی می‌گردد.

فریدون تلاش می‌کند انسان‌ها را به نوع دوستی و مهرورزی دعوت کند، بدون اینکه به ساحت اجتماعی آنها کاری داشته باشد. به همین دلیل است که اشعار اجتماعی او در چارچوب زمان محدود نشده‌اند و بیشتر مسائلی از قبیل: مهر و دوستی، انسانیت، شکوه از جنگ، گذر ایام و دم غنی‌مشماری و ... مسائل اجتماعی شعر او را تشکیل می‌دهند که برای بیان این مضامین تلاش نکرده از لفاظی‌های زبانی استفاده کند؛ چرا که دریافت زبان تغزلی باید ساده و عاری از پیچیدگی‌های زبانی باشد. اشعار عاشقانه او هم شعری است معتدل، چیزی است مابین جمعیت و روحانیت. معشوق او نه فقط برای خواهش‌های نفسانی است و نه برای عشق روحانی، بلکه هر دوی این‌ها درکنار هم هستند. (ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۸۵-۴۷۸ و عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۶۵)

جدول ۱: آثار شعری فریدون مشیری

تشنه طوفان (۱۳۳۴)	آواز آن پرنده غمگین (۱۳۷۶)	لحظه‌ها و احساس (۱۳۷۶)	آه باران (۱۳۶۷)	از خاموشی (۱۳۵۶)
کتاب ۳ دفتر (۱۳۱۷)	تا صبح تابناک اهورایی (۱۳۷۹)	با پنج سخن‌سرا (۱۳۷۲)	از دیار آشتی (۱۳۷۱)	مروارید مهر (۱۳۶۴)

مشیری از شاعرانی است که مهم‌ترین اندیشه او آزادی است. او در سروده خویش چنین می‌گوید: سرود عشق و آزادی پرستی / پرستو باشم از بامی به بامی / صفای صبح را گویم سلامی / بهاران را برم هر جا نویدی / جوانان را دهم هر سو پیامی (مشیری، ۱۳۸۳: ۳۴۸)

۲. اشعار مشیری

عشق به آزادی، وطن، صلح و انسانیت همیشه در اشعار فریدون مشیری موج می‌زند. تا جایی که در بیان عشق به وطن همواره نگاه به فردوسی و حماسه سرایی‌هایش داشته است. مشیری شعری به نام خروش فردوسی دارد که با الفاظی سنگین و در وزنی حماسی، درباره آن روزهایی که خرمشهر در دست بیگانگان بود، سروده شده است. (گنجعلی و قادری، ۱۳۹۳: ۲۸۵)

ای خصم به جان تاخته! توفان شرر شو
ای روی برافروخته! خود پرچم ره باش
ای بغض گل انداخته! فریاد خطر شو
ای مشت بر افروخته! افراخته‌تر شو
(مشیری، ۱۳۸۰: ۷۱۸)

مشیری گاهی در بیان آزادی از سکوتی سخت و خفقانی فریاد می‌زند و در حقیقت به دنبال دنیایی است که در آن بتواند زندگی کند:

من به دنبال فضائی می‌گردم

لب بامی

سر کوهی

دل صحرائی

که در آنجا نفسی تازه کنم

.....

و در پایان من هوام را سر خواهم داد

چاره درد مرا باید این داد بکنند

از شما خفته چند

چه کسی می‌آید که با من فریاد کند. (همان، ۶۲۵)

در شعر شکوه رستن التفات بسیار زیبایی دارد با الهام از حیات و رویش مجدد طبیعت، امید و آزادی را برای انسان کاملاً ملموس و ممکن می‌سازد. (گنجعلی و قادری، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

زمین به ما آموخت

ز پیش حادثه باید که پای پس نکشیم

مگر کم از خاکیم

نفس کشید زمین

ما چرا نفس نکشیم. (مشیری، ۱۳۸۰: ۶۷۵)

شاعر با اندوهی تمام و انزجای فراوان به شیوه‌ای خطابی در شعر با تمام/اشک‌هایم دعوت به صلح می‌کند:

ای نگهبانان آزادی

ای نگهبانان صلح

شرمتان باد ای خداوندان قدرت بس کنید...

دست‌ها از دستتان ای سنگ چشمان، بر خداست

گرچه می‌دانم

آنچه بیداری ندارد، خواب مرگ بی‌گناهان است و وجدان شماس

با تمام اشک‌هایم، باز-نومیدانه- خواهش می‌کنم

بس کنید، بس کنید. (همان، ۶۸۹)

به نظر می‌رسد در این رهگذار تنگ و تاریک جهان که مرگ انسانیت و مهربانی بیداد می‌کند، شاعری چون مشیری سعی دارد چراغی، هرچند کم نور، فرا راه انسان بی‌افروزد. و یکی از بن‌مایه‌های مهم شعر فریدون مشیری انسانیت است. در روزگار مرگ انسانیت؛ او می‌کوشد که تمام توان و ذوق شاعری خود را به کار گیرد تا اعجاز محبت را بنمایاند و خوبی‌ها و مهربانی‌ها را رواج دهد. در شعر/اشکی/از گذرگاه تاریخ با صراحت مرگ انسانیت را فریاد می‌کند.

روزگار ما، روزگار مرگ انسانیت است، سینه‌ها از خوبی تهی‌ست

صحبت از آزادگی، پاکی، مروت، ابله‌ی‌ست

صحبت از موسی و عیسی و محمد نابجاست...

صحبت از پژمردن یک برگ نیست

وای جنگل را بیابان می‌کنند

دست خون آلود را در پیش چشم خلق پنهان می‌کنند...

صحبت از مرگ محبت، مرگ عشق

صحبت از مرگ انسانیت است. (همان، ۴۹۱)

همواره درون‌مایه اومانیسیم (انسان‌نگری) در اشعار همه دوره‌های مشیری وجود دارد و شعر مشیری شعری متعهد است. در تمام این قصاید، مشیری از انسان‌هایی که عشق دروغین دارند و مهربانی در وجودشان مرده است با حسرت و اندوه یاد می‌کند و گاهی به نماد روی می‌آورد. ستاره نمادی است برای کسی که از این دنیا دور است. (گنجعلی و قادری، ۱۳۹۳:

ای ستاره‌ای که پیش دیده منی
 باورت نمی‌شود که در زمین
 هرکجا به هر که می‌رسی
 خنجری میان مشت خود نهفته است
 پشت هر شکوفه تبسمی
 خار جانگزای حيله ای شکفته است...
 ای ستاره باورت نمی‌شود
 در میان باغ بی‌ترانه زمین
 ساقه‌های سبز آشتی شکسته است
 لاله‌های سرخ دوستی فسرده است. (مشیری، ۱۳۸۰: ۴۴۸)

مشیری شاعری انسان دوست و صلح‌طلب است که همواره با تیر کلامش بدی‌ها و ستم‌ها را مورد هدف قرار داده. افرادی از جمله مشیری که به خاطر وجدان پاک انسان، همین عشق به حقیقت و علاقه به وطن را سروده‌اند و می‌دانند انسان امروز، بیش از هر چیز تشنه و نیازمند انسانیت است و دواي درد بشر را در یک کلام دوستی می‌پندارند. پس هر آنچه را که ضروری و لازمه زندگی بشر می‌دانند، تحت لوای واژه عشق می‌آورند که مفهوم عام و پیچیده، به پیچیدگی تنگناها و گذرگاه‌های دنیا و مردمانش دارد. (گنجعلی و قادری، ۱۳۹۳: ۲۷۳)

زبان در نظرگاه منتقدان این دوره عنصری بسیار مهم است و راز موفقیت شاعران بزرگ کهن و معاصر در آشنایی درست با عنصر زبان می‌باشد و از همین جهت است که دکتر شفيعی کدکنی شعر را «رستاخیز کلمه‌ها» تعريف می‌کند و می‌گوید: بی‌گمان شعر بیرون زبان قابل تصور نیست و هر چه هست در تغییراتی است که در زبان روی می‌دهد. (فولادی، ۱۳۸۳: ۱۶۳)

سادگی معنا و بیان مستقیم از ویژگی‌های شعر مشیری است و انسان‌گرایی اصلی‌ترین محور شعر مشیری است. انسانی فارغ از تمام ایدئولوژی‌ها و به صرف انسان بودنش در شعر مشیری قابل ستایش و احترام است. فریدون مشیری به مسئولیت و تعهد شاعر «هنرمند» اعتقاد وافر دارد و شعر را ابزاری برای انجام مسئولیت در برابر اجتماع می‌داند. (دهقانیان و ملاحی، ۱۳۹۲: ۱۰۶)

مرگ قناری در قفس را غصه خوردم

وز غصه مردم شبی صد بار مردم (مشیری، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

وی نسبت به جامعه و مردم بی‌تفاوت نیست و همواره از عشق به مردم، عشق به زیبایی، عشق به سرزمین خود، عشق به آشتی و صلح می‌سراید. (دهقانیان و ملاحی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

تم در تاروپود عشق انسان‌های خوب نازنین بسته‌ست
 دلم با صد هزاران رشته با خلق
 با این مهر با این ماه
 با این خاک با این آب...
 پیوسته است

نمی‌خواهم بمیرم تا محبت را به انسان‌ها بیاموزم
 بمانم تا عدالت را بر افرازم، بیفروزم (مشیری، ۱۳۸۰: ۸۷)

به نظر می‌رسد فریدون مشیری هدف و رسالت خود را در زندگی دعوت انسان‌ها به
 مهرورزی و عشق می‌داند، عشق در شعر مشیری به گروه خاصی از مردم منحصر نمی‌شود و
 تنها هم‌فکران، نخبگان، روشنفکران و... را در بر نمی‌گیرد. عشق او به انسان بر حسب برتری‌های
 مورد پذیرش جامعه نیست و همه نوع انسان را در بر می‌گیرد.

باری، اگر روزی کسی از من بپرسد

چندی که در روی زمین بودی چه کردی؟

من می‌گشایم پیش رویش دفترم را

گریان و خندان، بر می‌افرازم سرم را

آنگاه می‌گویم که بذر (نوفشاند) ست

تا بشکفد، تا بردهد، بسیار مانده‌ست

در زیر این نیلی سپهر بی‌کرانه

چندان که یارا داشتم، در هر ترانه

نام بلند عشق را تکرار کردم.

من مهربانی را ستودم

من با بدی پیکار کردم. (همان، ۱۳۷۹: ۸۷)

مشیری در انتها جامعه آرمانی خود را این گونه وصف می‌کند:

در سایه‌زار پهنه این خیمه کبود

خوش بود اگر درخت، زمین، آب، آفتاب مال کسی نبود

یا خوب‌تر بگویم مال تمام مردم دنیا بود

دنیای آشنایان دنیای دوستان

یک خانه بزرگ جهان و جهانیان

یک خانواده بسته به هم تار و پود جان

با هم برای هم. (همان، ۱۳۸۰: ۲۵)

تحقق چنین آرمان شهری ممکن نیست مگر با عشق و محبت و سخن خود شاعر گواه آن

است.

همین نه جان به ره دوست می‌فشانم شاد
 به جان دوست که غم خوار دشمنم با عشق
 به دست بسته ام ای مهربان نگاه مکن
 که بیستون را در افکنم با عشق
 دوی درد بشریت یک کلام باشد و بس
 که من برای تو فریاد می‌زنم: با عشق (مشیری، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

۳. نتیجه گیری

مشیری از شاعران معاصری هست که شعر آن وسیله‌ای برای بیدارسازی جامعه خفته است. این شاعر به خوبی توانسته مسائل و مشکلات جامعه را به طور مستقیم و با استفاده از نمادها به تصویر بکشد و بسان یک مصلح اجتماعی عمل کند. در اشعار او وطن فقط زادگاه نیست بلکه وطن تمام سرزمین‌هاست و هدف آن بیدارسازی انسان‌ها نه فقط انسان‌های وطن خویش بلکه تمام انسان‌ها است. او دردها و آلام تمام جامعه بشری را که آزادی و ظلم و وطن و ... است را بیان کرده است و برای حفظ وطن از ظلم و ستم و عدم امنیت و آرامش تلاش کرده است و سعی در بیداری مردم داشت تا وطن را به دست ظالمان و استعمارگران نسپزند. می‌خواست طعم آزادی و رهایی را به مردم بچشاند تا اسیر چنگال و یوغ استعمار نشوند.

کتاب‌شناسی

- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۴)، آزادی در اسلام و غرب، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
خائفی، پرویز (۱۳۷۸)، «فریدون مشیری آمیزه‌ای از شعر و انسانیت»، *مجله ادبی گزارش*، دوره ۲۶، شماره ۱۰۲، ص ۸۲
- خائفی، پرویز (۱۳۷۹)، «عصاره خاطرات چهل سال آشنائی با فریدون مشیری»، *مجله ادبی گزارش*، دوره ۳۰، شماره ۱۱۸، ص ۷۲
- دهقانیان، جواد و ملاهی، عایشه (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مضامین عاشقانه در آثار فریدون مشیری و نزار قبانی»، *ادبیات تطبیقی*، دوره ۲، شماره ۸، ص ۱۰۱
- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۳) *شرح و تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی*، تهران: حروفیه.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۷۹)، *مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان*، ترجمه منصور میراحمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۷) *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: معین.
- شریفیان، مهدی (۱۳۸۷)، «بررسی فرایند نوستالژی غم غربت در اشعار فریدون مشیری»، *فصلنامه علمی پژوهشی*، دوره ۱۸، شماره ۶۹، ص ۷۳
- صاحب اختیاری، بهروز و باقرزاده، حمید (۱۳۸۴)، *فریدون مشیری*، شاعر کوچک خاطرها، تهران: هیرمند.
- عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۹۱)، *جریان‌شناسی شعر معاصر*، تهران: سخن.
- گنجعلی، عباس و قادری، آزاده (۱۳۹۳)، «بررسی مولفه‌های عشق در اشعار فریدون مشیری و محمد ابراهیم آبوسنه»، *ادبیات تطبیقی*، دوره ۲، شماره ۱۰، ص ۲۸۷
- مسلمی، نادر (۱۳۴۰)، «نقدی بر تعاریف شعر محمدرضا شفیعی کدکنی»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۷۳-۱۹۶
- مشیری، فریدون (۱۳۸۳)، *افسانه باران*، تهران: چشمه.
- معالی، بابک (۱۳۸۳)، *آزادی در شعر فارسی*، تهران: ترفند.
- نورمحمدی، محمود (۱۳۸۸)، *فرهنگ مهرگان انگلیسی*، تهران: رهنما.
- هاشمی، کاظم (۱۴۰۲)، «خوانشی سیاسی و ساختارگرایانه از قالب‌های قصیده، نیمایی و سپید»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، شماره ۷، صص ۲۴۵-۲۶۶

The Concept of the Word Freedom in Fereydoun Moshiri's Poems

Vahid Ronagh

۱. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Vahidronagh@yahoo.com

Article Info (.....)

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
۲۷/۰۲/۲۰۲۵

Accepted:
۱۸/۰۷/۲۰۲۵

Keywords:
Freedom,
Freydoun
Moshiri,
Poetry,
Contempora
ry poet,
Humanity

Freedom is one of the concepts that has always been one of the great concerns that has occupied the minds and thoughts of mankind throughout the centuries and also in the transition from various periods and countless ages. Every page of the history of freedom has been and will be full of wars, blood, revolutions, coups, suffering, imprisonments and tortures. This research, using a descriptive-analytical method, systematically examines the studies on the concept of the word freedom in Fereydoun Moshiri's poetry. In this research, the library method has been used to collect information and data. To document the texts for the purpose of analyzing the theories, logical reasoning is presented and an attempt is made to publish qualitative and conceptual strategy discussions in this research. The results show that Moshiri is one of the contemporary poets whose poetry is a means of awakening the sleeping society. This poet has been able to portray the issues and problems of society directly and using symbols and act as a social reformer.
